



## علل و زمینه‌های تقابل مشعشیان و صفویان

فاطمه دهانی<sup>۱</sup>

### مقدمه:

بعداز حمله مغولان به ایران اوضاع سیاسی و مذهبی در ایران دچار تغییر و تحولاتی شد. در جنوب غربی ایران در دوره حکومت تیموریان اندیشه‌ای به رهبری شخصی به نام سید محمد فلاح شکل گرفت. از جمله عقاید این اندیشه اعتقاد خدایی و الوهیت بود که برای امام‌علی (ع) قائل بودند. رهبر این اندیشه بعداز آنکه خود را مهدی موعود معرفی کرد برای آنکه بتواند همراهان و طرفدارانی داشته‌باشد به‌سوی منطقه هویزه حرکت و در جریان نبرد با حاکم شهر توانست بر شهر هویزه تسلط یابد و حکومت روحانی مذهبی برای خود تشکیل دهد. بعداز روی کار آمدن شاه‌اسماعیل اول و رسمی شدن مذهب شیعه وی سعی نمود که وحدت سیاسی و مذهبی در کشور ایجاد کند. به‌دلیل اندیشه توسعه طلبانه شاه‌اسماعیل دو گروه مشعشیان و صفویان که از عقبه شیعی برخوردار بودند مقابل هم قرار گرفتند.

---

<sup>۱</sup>. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

## چکیده:

سه دهه پس از سرکوب جنبش حروفیه، نهضت غالبانه دیگری از سمت جنوب غرب ایران سر برآورد. رهبر این جنبش سید محمد بن فلاح از سادات موسوی، شاگرد و پسرخوانده احمد بن فهد حلی از بزرگان فقه، تصوف و علوم غریبه در سده‌های هشتم و نهم ق بود. سید محمد تحت تأثیر آموزه‌های پدرخوانده‌اش گرایش‌های افراطی مذهبی داشت. حکومت صفویه که دارای اندیشه صوفی گری بود بعد از روی کار آمدن سعی نمود که تمامی مخالفان خود را از سر راه بردارد و مذهب شیعه را به مردم جامعه ایران تحمیل کند. یکی از مخالفان اصلی صفویان اندیشه مشعشی بود که دارای عقبه شیعی گری بود ولی این فرقه به دلیل اینکه دارای اندیشه غالبیگری و الوهیت بود شاه اسماعیل سعی نمود که این گروه را سرکوب کند و سرانجام توانست در سال ۹۱۴ ق. بعد از آنکه عراق را تصرف نمود به سمت هویزه حمله کرد و این گروه را شکست دهد و والیان خوزستان را از میان این گروه انتخاب نمود و از این به بعد مشعشیان رسماً تابعیت حکومت صفویان را پذیرفتند. در این پژوهش سعی شده است که با استفاده از کتب و منابع موجود دوره صفویه و همچنین تحقیقات جدید به علل و زمینه‌های برخورد این دو گروه که در نهایت منجر به جنگ و شکست مشعشیان شد پرداخته شود.

**واژگان کلیدی:** صفویه، مشعشیان، خوزستان، شیعه‌گری، غالبیگری

## پیشینه تحقیق

در خصوص سابقه این موضوع آثاری وجود دارد که می‌توان به آنان اشاره نمود. کتاب تاریخ پانصد ساله خوزستان اثر احمد کسروی نویسنده در این اثر ضمن بررسی تاریخ خوزستان در بخشی از کتاب خود به مشعشیان اشاره نمود. همچنین کتاب مشعشیان ماهیت فکری اجتماعی و فرایند تحولات تاریخی اثر محمد علی رنجبر نویسنده در این کتاب به ماهیت فکری آنان و همچنین دوره‌های برخورد آنان با حکومت صفویه پرداخته است که به دو قسمت تقسیم کرده است. دوره اول: دوره سرکشی و جنگ با صفویان و دوره دوم: دوره پذیرفتن حاکمیت صفویان و انتخاب شدن مشعشیان به عنوان حاکم دست نشاندۀ حکومت صفویه. علاوه بر کتاب‌های در این زمینه پایان نامه‌های نیز کار شده است از جمله پایان نامه زمینه‌ها و دلایل شکل گیری شورش‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی در دوره صفویه، حمیدرضا جمشیدی دانشگاه اراک (۱۳۹۷) و

پایان نامه بررسی تاریخی شورش‌های مذهبی در دوره صفویه، سید امین شفیع پور دانشگاه سیتان و بلوچستان (۱۴۰۱) اشاره نمود.

### مفهوم کلمه مشعشیان و اعتقادات آنان

مشعشع در لغت‌نامه دهخدا به معنای درخشنده ضبط و ثبت شده‌است. (دهخدا، بی تا، ج ۴: ۴۹۹). در مورد علت نامگذاری آنان به مشعشیان نقل و صحبت‌های گوناگونی ذکر شده‌است. عده‌ای گفته‌اند علت نامگذاری آنان به نام مشعشیان این بوده است که بزرگان آنان در قدیم رفتارهای مختلف و عجیب غریب از آنان سر می‌زده است و به همین دلیل ممکن است که به نام مشعشیان معروف شده باشند. (مشعشی، ۱۳۹۶: ۳). مشعشیان یکی از جنبش‌های مهم مذهبی بودند که در دوره قبل از حکومت صفویان در ایران دارای قدرت بودند. تاریخچه شکل‌گیری این گروه به دوره تیموریان و در استان خوزستان امروزی بر می‌گردد. آنان شیعیان غلاتی بودند که به رهبری سید محمد فلاح فعالیت‌های خود را آغاز نمودند. (نوذری، ۱۳۹۳: ۲۸۴).

مشعشیان به منشأ واحد انبیا و اولیاء نزدیک بودند و به عقیده حلولیه معتقد بودند. آنان با این اعتقاداتی داشتند توانستند که حکومتی مذهبی روحانی تشکیل دهند. تمام اعتقادات این گروه در شخصی به نام سید محمد فلاح ظهور کرده بود. این گروه در جلسات خود که تشکیل می‌دادند و مشغول به خواندن دعا و گفتن ذکر علی الهی و همچنین به گفتن کلمه غیره باطل مشغول می‌شدند. مشعشیان در جلسات خود دست به کارهای خارق‌العاده از جمله خوردن شمشیر و همچنین برهنه مقابل تیر و شمشیر قرار می‌گرفتند. (میراحمدی، ۱۳۶۶: ۸۸). پیروان این فرقه شمشیر را بر روی زمین می‌گذاشتند و برهنه بر روی آن راه می‌رفتند و همچنین با گفتن لفظ کلمه علی الهی از روی آن رد می‌شدند. رهبری این گروه عموماً در دست سادات بود. (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴: ۴۹۷).

مشعشیان با تکیه بر الوهیت و همچنین مهدویت در بستری که انتظار ظهور منجی را برای خود می‌کشیدند توانستند حکومت شیعه مذهبی در ایران تشکیل دهند. (رنجبر، ۱۳۸۲، ۹۶). از مهم‌ترین کتاب‌هایی که در مورد اندیشه مشعشیان وجود دارد کتاب کلام المهدی می‌باشد. مطالب این کتاب حاوی افکار و گفتارهای سید محمد می‌باشد. در این کتاب سید محمد منکر زنده بودن مهدی (عج) می‌شود و معتقد است که روح و گوهر امام زمان در کالبد وی پدیدار شده‌است. (کسروی، ۲۵۳۶: ۹).

## سید محمد و تشکیل حکومت مشعشیان

سید محمد بر حسب شجره نامه‌ای که از خود بر جای گذاشته بود، خود را به امام هفتم شیعیان یعنی امام موسی کاظم (ع) رسانده است. وی در شهر واسطه از شهرهای عراق به دنیا آمد ولی در شهر حله و نزد شیخ احمد بن فهد حلی دوره آموزش خود را آغاز نمود. (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۹۵). سید محمد در شهر حله و نزد شیخ احمد با فقه شیعی آشنا شد و در همین حین افکار و عقاید صوفیان در وی پدیدار شد. شیخ احمد کتابی که از اسرار علوم غریبه آگاه بود داشت و سید محمد همیشه در آرزوی آن بود که به این کتاب دست یابد و سرانجام بدین کتاب دست یافت. (نوذری، ۱۳۹۳: ۲۹۴). سید محمد تا قبل از آنکه به صورت رسمی خود را مهدی موعود خطاب کند در مسجد کوفه به مدت یکسال اعتکاف نمود و در این مدت به دعا و عبادت مشغول بود. سرانجام در اواخر عمر استاد خود شیخ احمد، ادعای مهدویت نمود. شیخ به محض اطلاع از مهدویت سید محمد حکم به قتل وی داد ولی سید محمد توانست با استفاده از اینکه وی یک سید سنی صوفی مذهب است از حکم قتل خود جلوگیری نماید و برای آنکه از خشم مردم عراق در امان باشد به سمت هویزه فرار نمود. (میراحمدی، ۱۳۶۶: ۸۷).

به دلیل اوضاع آشفته سیاسی در ایران سید محمد به هویزه حمله نمود و قصد تصرف آن را داشت. حاکم هویزه شخصی به نام شیخ جلال را برای مقابله با سید محمد فرستاد و در همین حین درخواست نیرو کمکی نمود و شیخ ابوالخیر حاکم شیراز با عده‌ای از لشکریان خود به سمت هویزه شتافت. دو سپاه قریب به یک‌ماه با همدیگر در جنگ بودند. سید محمد در اندیشه راهی برای پیروزی و استیلا بر هویزه بود که به یکباره شیخ ابوالخیر با کشتن چندین تن از بزرگان هویزه موجب خشم اهالی شهر شد و سید محمد از این فرصت استفاده نمود و توانست بر احساسات مردم بیفزاید و آنان را به جنگ علیه سپاه شیخ ابوالخیر و شیخ جلال تشویق کند. به دلیل کمبود سپاهیان از زنان درخواست شد که رزم جامه مردانه بپوشانند و در پشت سر مردها به جنگ بپردازند. سرانجام سید محمد با کمک اهالی شهر توانست بر شهر مسلط شود و برای خود حکومت شیعه مذهبی تشکیل بدهد. (کسروی، ۱۳۷۸: ۳۷-۳۹).

هنگامی که محمد فلاح حکومت خود را آغاز نمود به سرعت بر محبوبیت و شهرت وی افزوده شده. این شهرت موجب شد که حکومت‌های محلی خوزستان دچار نگرانی شوند و به فکر مبارزه بر علیه وی افتادند. (نوذری، ۱۳۹۳: ۲۸۵). حکام محلی خوزستان با کمک اسفند شاهزاده قراقویونلوها به جنگ با سید محمد شتافتند چون سید محمد تاب مقاومت در

مقابل اتحاد را نداشت به سرعت خوزستان و هویزه را ترک نمود و بعد از چند سال بار دیگر به هویزه برگشت و حکومت خود را تشکیل داد. (میرجعفری، ۱۳۸۸: ۲۵۸). قبل از مرگ سید محمد فلاح برای مدتی فرزند بزرگ وی اداره امور حکومت مشعشیان را به دست گرفت و بعد از مدتی بار دیگر سید محمد خود اداره امور حکومت را تا هنگام مرگ بر عهده گرفت. (رنجبر، ۱۳۸۷: ۱۶۵). بعد از مرگ وی اداره امور حکومت به محسن فرزند دیگر سید محمد رسید تا هنگامی که سید محسن اداره امور مشعشیان را عهده دار بود حکومت آنان در اوج اقتدار بود اما بعد از مرگ وی به یکباره حکومت مشعشیان تا روی کار آمدن صفویه دچار ضعف و انحطاط شده بود و برای مدتی آنان به صورت خودمختار به حکومت پرداخته بودند. (نوذری، ۱۳۹۳: ۲۸۵). هویزه به مدت ۶۹ سال به عنوان مرکز حکومتی بود که سید محمد فلاح بنیان گذار نموده بود سرانجام با حمله صفویان از بین رفت و آنان بعد از این شکست تابعیت حکومت صفوی را پذیرفتند و با عنوان والی صفویان به حیات خود ادامه دادند. (رنجبر، ۱۳۸۷: ۱۳۱).

### در آمدی بر وضعیت سیاسی ایران قبل از تشکیل حکومت صفویان

بعد از مرگ تیمور لنگ بنیان گذار سلسله تیموریان در ایران، کشور دچار هرج و مرج شد. چهار رویداد تاریخی این دوره هرج و مرج را تشکیل می دهد، ۱. تجزیه سریع امپراطوری تیموریان، ۲. درگیری بین دو حکومت ترکمانان به نام های آق قویونلوها و قراقویونلوها، ۳. نفوذ و توسعه روزافزون ازبک ها در ماورالنهر و خراسان، ۴. پیروزی خاندان صفویه و تشکیل حکومت صفویه در تبریز.

بعد از آنکه تیمور لنگ از دنیا رفت حکومت پهناور بین فرزندان و نوادگان وی تقسیم شد و هر یک در گوشه ای برای خود حکومت تشکیل داد و به صورت مستقل به حکومت پرداخت. به علت عدم حکومت مرکزی قدرتمند در غرب ایران دو حکومت آق قویونلوها و قراقویونلوها وارد کارزار سیاسی شدند و هر کدام به نوبه ای خود بر بازماندگان تیمور تأثیر گذاشتند و توانستند با قدرت روز افزون خود در جنگ های جانشینی تیموریان شرکت کنند و سرانجام کنترل نواحی غربی ایران را به دست گرفتند. علاوه بر ترکمانان گروهی که وضعیت سیاسی ایران را به خطر می انداخت حملات و قدرت روز افزون ازبکان بود. این حکومت در ماورالنهر و شرق خراسان فعالیت داشتند و هر از چندی به خراسان حمله می کردند و موجب غارت و وحشت اهالی خراسان را فراهم می کردند.

شاه اسماعیل اول بعد از آنکه از گیلان به همراه یاران خود خروج کرد در ابتدا سعی نمود که تمامی حکومت‌های محلی و مستقل را شکست بدهد و به ایران وحدت سیاسی ببخشد. وی توانست در مدت کوتاهی بسیاری از رقبان خود در شمال، شرق، غرب و جنوب ایران را به زیر سلطه خود بیاورد. دشمن اصلی وی الوند میرزا بود. الوند میرزا به سمت تبریز حرکت نمود و هنگامی که شاه اسماعیل متوجه حمله وی شد لشکر خود را به سمت تبریز حرکت داد. الوند میرزا بعد از شنیدن خبر حمله شاه صفوی به سمت بغداد و از آنجا به دیار بکر حرکت کرد. شاه اسماعیل توانست بعد از فراری شدن الوند میرزا تمامی مخالفان خود را سرکوب و در سال ۹۰۷. ق. در مسجد تبریز خطبه به نام امام شیعیان خواند و مذهب رسمی کشور را از تسنن به تشیع دوازده امامی تغییر داد و برگی تازه‌ای در تاریخ ایران باز نمود. (مجیر شبانی، ۱۳۴۶: ۷۵-۱۰).

### دلایل قرار گرفتن مشعشیان و صفویان در برابر هم

برای آنکه به زمینه‌های تقابل دو گروه مشعشیان و صفویان پی برد نمی‌توان فقط به کتاب‌های دوره صفویه تکیه نمود و علت آن نیز این می‌باشد که نویسندگان دوره صفویه وابسته به حکومت بودند و به نوعی قلم آنان تحت تأثیر پادشاهان صفویه بود. برای آنکه بتوانیم به علت‌های تقابل این دو گروه پی برد می‌بایست به کتب و منابع بی طرف که در دوره‌های بعد نوشته شد توجه کرد.

صفویان و مشعشیان از لحاظ فکری\_ اعتقادی خاستگاه‌های مشترک داشتند، به گونه‌ای که تشیع و تصوف مبنای بسیاری از ارکان اعتقادی آنان بود. هر دو حکومت نگرش غالبانه‌ای نسبت به مذهب داشتند. از دلایل تقابل این دو گروه می‌توان به مسئله الوهیت اشاره نمود. ادعایی که منسوب دانستن آن به یک انسان در دوران حاضر بسیار غریب و نا مانوس می‌نماید، اما واقعیت این است که در ایران قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری افرادی وجود داشتند که ادعای الوهیت و یا داشتن صفات الوهی می‌کردند و عجیب‌تر آنکه برخی از مردم نیز به این افراد و ادعاهایشان باور پیدا کرده بودند.

### ۱. الوهیت مشعشیان

یکی از شگفتی‌های سید محمد ادعای مهدوی گری وی بود. مهدوی گری و مهدویت در دین اسلام سابقه فراوانی دارد و مهدویت در بین همه مسلمانان وجود داشت و بعضاً حکومت‌های اموی و عباسی نیز از این موضوع نهایت استفاده را می‌بردند. ادعای مهدویت سید محمد با بقیه گروه‌ها تفاوت داشت زیرا گروه‌های مثل اموی و عباسی ادعای مهدویت آنان به مهدی موعود شیعیان اشاره‌ای نداشت حال آنکه سید محمد که شیعه دوازده امامی بود و این ادعا را با توجه به اینکه

مهدی (عج) زنده بوده است را برای خود انتخاب نموده بود. وی در صحبت‌های خود گاه‌ها خود را به‌عنوان جانشین امام دوازدهم معرفی کرده است. (کسروی، ۱۳۷۸: ۴۴-۴۳)

در مورد ادعای الوهیت مشعشیان در منابع دوره صفویه نیز مطالبی وجود دارد در این منابع اشاره شده‌است که آنان به‌صورت آشکار در مورد امام‌علی (ع) و سایر بزرگان غلو و بزرگنمایی می‌کنند. در مورد باور و عقاید مشعشیان در دوره شاه‌اسماعیل اول، امینی هروی چنان توضیح داده است: «واقعۀ اهالی آن دیار آنکه، فرقه مشعشع که شعشعۀ آثار زندقۀ از ناصیه احوال ایشان تابان گشته اگر چه نصیری وار علی الله می‌گفتند اما امیر محسن را که دعوی انتساب به خاندان نبوت می‌بود به رسم قایم مقامی به الوهیت اعتراف و اقرار نموده اوامر و نواهی مشروعه را دانسته به حکم و رأی او می‌شناختند و به آن سبب پیوسته خود را در ورطات مناهی و ملاهی به حلیت می‌انداختند و از این غریب‌تر چه باشد که اولاً امیرالمؤمنین علیه السلام را خالق و معبود شناسند و بعد از آن یکی را که گمان آن داشته‌باشند که خدای را فرزند است قایم مقام شناسند. پس از جمیع جهات از این فرقه طایفه اجهل و از طریقه ایشان شیوه‌ای ردی تر نتواند بود». (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۳۰۹).

سید محمد مشعشی در سال ۸۲۰ ق. ادعای مهدویت خود را آغاز نمود و سما خود را مهدی موعود معرفی نمود. بعد از آنکه سید محمد ادعای مهدویت نمود یکی دیگر از رهبران آنان به نام مولی علی ادعای خدای نمود. (شوشتری، ۱۳۷۷: ج ۲: ۴۰۰). موقعی که شاه‌اسماعیل اول به آنان حمله نمود، مشعشیان بر کیش علی الهی بودند. ((قوم مشعشع حالا به الوهیت فیاض که از فیض عنایت حضرت عزت بی بهره است اعتراف می‌نماید)). (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴: ۴۹۷).

کسروی نویسنده معاصر در کتاب خود به‌شدت به عقاید و افکار مشعشیان انتقاد کرد و عقاید آنان را انحرافی دانسته است و در مورد آنان چنین گزارش داده است. ((یکی از عقاید زشتی که سیدمحمد و پیروان او داشته‌اند علی الله‌گیری یا خدا شناختن امام‌علی بن ابی‌طالب علیه السلام بوده است. سیدمحمد اعتقاد داشت سنی‌ها حضرت علی علیه السلام را شناختند و با زور از او بیعت برای ابی‌بکر گرفتند شیعیان اثناعشری نیز او را تنها به امامت شناختند و گوهر نهان شده در او را ندانستند)). (کسروی، ۱۳۷۸: ۳۳).

## ۲. الوهیت صفویان (شاه‌اسماعیل اول)

شاه اسماعیل اول بعد از آنکه مذهب شیعه را به عنوان مذهب رسمی ایران اعلام نمود و با تلاش فراوانی توانست این مذهب را در کشور گسترش بدهد. ادعای الوهیت در مورد وی امکان پذیر نمی باشد و در مورد این ادعا می توان به گزارش های تاریخی اشاره نمود که ادعای الوهیت شاه اسماعیل را نفی می کنند.

نویسنده کتاب عالم آرای صفوی هنگام جنگ با سپاه ازبکان چنین گزارش داده است: «تعجب نموده سر برهنه کرد و روی مبارک بر خاک نهاده، گفت: خداوند مرا قوت موری نیست و زور و قوت من از تو است مرا شرمنده مساز. خداوند! به حق نور پاک حضرت محمد و آل و اولاد او علیهم السلام، که تو فتح و نصرت و فیروزی به سپاه قزلباش بده.» (عالم آرای صفوی، ۱۳۶۳: ۴۴۱).

در مورد اظهارات صوفیان و هواداران شوریده اسماعیل حداکثر چیزی که می توان گفت این است که این نظر همان افراد بوده و مورد حمایت اسماعیل نبوده است. رسول جعفریان در کتاب خود در مورد قزلباشان و صوفیان هوادار شاه اسماعیل چنین گزارش داده است: «شاه اسماعیل در چشم قزلباشان قداست معنوی خاصی داشت. او جانشین شیخ صفی الدین و رئیس خانقاه اردبیل بود. طبعاً اطاعت از وی نیز، نه به عنوان یک رهبر نظامی - سیاسی، بلکه به عنوان یک شیخ صورت می گرفت. به همین دلیل، اطاعت قزلباشان از او، بسیار استوارتر از اطاعت سربازان از یک فرمانده یا رئیس عادی بود. بعدها برخی از منابع سنی، ادعا کردند که قزلباشان، اسماعیل را تا مقام خدایی می برده اند. چنین اندیشه ای نسبت به قزلباشان شیعه، ولو شیعه افراطی، نارو است در حقیقت آنان به دلیل ارادت مراد و مریدی، به تمام معنا از اسماعیل اطاعت کرده و هاله ای از قداست در اطراف او می دیدند، اما به هیچ رو، اعتقادی مانند اعتقاد خدایی درباره او نداشتند. این اطاعت در حدی بود که هر فرمانی شاه به آنان می داد از آن استقبال و پیروی می کردند.» (جعفریان، ۱۳۹۳: ۸۵۵).

القاب و صفات الوهی که به شاه اسماعیل اول داده شده بود بیشتر از اطراف صوفیانی بودند که در کنار وی بودند و شاه اسماعیل چنین ادعاهایی را قبول نمی کرد و سعی می نمود که این ادعاها را رد کند و همچنین با کمک فقها و علما تا حدودی توانست در این کار موفق باشد. یکی از مدعاهایی که می توان نسبت به این اقدام شاه اسماعیل ذکر کرد در کتاب بازرگانان ونیزی است که یکی از این تجار به نام آنجوللو چنین گزارش داده است: «(هنگامی که در تبریز بودم شنیدم که شاه از این پرستش و از اینکه وی را خدا بخوانند بیزار است.)» (بازرگانان ونیزی، ۱۳۴۹: ۲۲۳).



در منابع دوره صفوی اشاره‌ای به الوهیت شاه اسماعیل نشده است. این ادعا که شاه اسماعیل برای آنکه با رقیب خود یعنی مشعشیان به وسیله الوهیت و اثبات اینکه خود را تنها کسی بداند که شایسته الوهیت می‌داند به جنگ پرداخته است تا حدودی نادرست می‌باشد. وی تاب تحمل عقاید مشعشیان افراطی را نداشت و همچنین ادعاهای نظیر علی الهی گری و همچنین مهدویت و الوهیت آنان را قبول نداشت و در حالی که خود یکی از متعصب‌ترین افراد به مذهب تشیع در ایران بوده است. اسماعیل صفوی خود را همانند محمد فلاح منجی نمی‌دانست، و خود را نایب امام زمان نمی‌دانست، بلکه حکومت خود را اتصال دهنده به حکومت جهانی مهدی موعود معرفی می‌کرد. حال اینکه محمد فلاح ادعای مهدویت می‌کرد و خود را منجی معرفی کرده بود. (رنجبر، ۱۳۸۷: ۱۹۱). رقابت بین مشعشیان و صفویان قبل از حکومت شاه اسماعیل وجود داشت. هواداران شاه اسماعیل او را به چشم مرشد کامل می‌نگریستند. وی بیشتر از این ظرفیت عقیدتی استفاده کرد و مذهب تشیع که هدف اصلی خود بود را در ایران تثبیت کند. وی برای رسیدن به این هدف تمام جریان‌های فکری مغایر با این هدف را از این برد. مشعشیان، حضرت علی (ع) را در مرتبه - خدای می‌دانستند، شاه اسماعیل با این گروه به دلیل اشاعه چنین عقاید به مبارزه برخاست. (مطهری، ۱۳۹۴: ۸۰).

### انگیزه‌های دینی و سیاسی رویارویی مشعشیان و صفویان

مهم‌ترین دلیل تقابل دو حکومت مشعشیان و صفویان را رقابت سیاسی و مذهبی دو گروه دانست. این رقابت قبل از آغاز حکومت صفویه توسط شاه اسماعیل اول وجود داشت به نوعی که مشعشیان خود را داعیه‌دار مذهب شیعه می‌دانستند و درصدد بودند که حکومت شیعی در ایران تشکیل بدهند. شاه اسماعیل با کمک هواداران و صوفیانی که به وی اعتقاد ویژه‌ای داشتند توانست بهترین بهره برداری را انجام دهد. وی تا قبل از آنکه در جنگ چالدران شکست بخورد در نگاه قزلباشان به عنوان شخصی شکست‌ناپذیر نامیده می‌شد. شاه اسماعیل اول برای آنکه بتواند مذهب شیعه را در ایران تثبیت کند با تمام جریان‌های فکری که به نوعی با جریان تشیع در تضاد بود مبارزه کرد. یکی از این جریان‌ها تفکر مشعشیان در خوزستان بود که برای امام علی مقام خدایی در نظر گرفته بودند. به همین دلیل شاه اسماعیل برای سرکوب این گروه آماده شد.

به دلیل اینکه دو حکومت شیعه مذهب در ایران تشکیل شده بود به همین دلیل شاه اسماعیل صفوی تاب و توان حکومت شیعه قدرتمندی همچون مشعشیان را نداشت این دو قدرت دارای مواضع دینی یکسان بودند و با اعتقادی که طرفداران این دو گروه به هم دیگر داشتند موجب شده بود هر کدام در منطقه تحت نفوذ خود دارای قدرت وسیعی باشند و این

طبیعی بود که این دو جریان فقط یکی از آنان می توانست که رهبری مذهبی و سیاسی کشور را در دست بگیرد. (قیم، ۱۳۸۸: ۱۶۰).

### حمله شاه اسماعیل اول به خوزستان

بعد از مرگ سید محسن فرزند وی سید علی به حکومت رسید. در همین زمان برادر دیگر وی نیز همزمان با او به قدرت رسید. این نظریه که دو برادر همزمان به حکومت رسیدند تا حدودی قابل قبول نیست و می توان گفت که برادر دیگر وی به عنوان وزیر حکومت مشعشیان در حال خدمت بوده است. همزمان با حکومت سید علی، شاه اسماعیل صفوی با سرکوب مدعیان و حکام محلی در تبریز توانسته بود که حکومت شیعه مذهبی را به وجود آورد. گرچه جد وی سنی مذهب بود و در زمره سادات نبود اما شاه اسماعیل خود را سید و شیعه معرفی کرده بود و در مورد مذهب شیعه سخت گیری ها زیادی انجام می داد. (کسروی، ۱۳۷۸: ۶۸-۶۷). همزمان با به حکومت رسیدن فرزندان سید محسن در هویزه شاه اسماعیل اول در ایران به حکومت رسید و با پشتوانه نیروهای صوفیانه شهرهای ایران را یکی پس از دیگری فتح و آیین شیعه را به زور شمشیر به همه مردم ایران قبولاند. (نوذری، ۱۳۹۳: ۲۶۱). وی هنگام فتح عراق از گروه مذهبی مشعشع در خوزستان و شهر هویزه اطلاع یافت، در مورد آنان از یکی از ملازمان خود به نام ملک شاه رستم اطلاعاتی جمع آوری کرد، ملک شاه در حین گزارش خود آن را فرقه علی الهی خواند، و به شاه عرض نمود که رهبر آنان ادعای الوهیت می کند. (عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۸: ۱۷۱).

در مورد حمله شاه اسماعیل به مشعشیان گزارش های وجود دارد که در اینجا به ذکر چند مورد از آنان پرداخته می شود. قاضی نورالله شوشتری چنین گزارش داده است: «برخی بدخواهان به گوش شاه اسماعیل رسانیده بودند که علی و ایوب راه عمومی خود مولا علی را دارند و چون او دعوی های بیجا می نمایند این بود که به هنگام هجوم به بغداد به تحریک میرحاجی محمد و شیخ محمد رعناشی که معلم زاده پسران سید محمد بودند از آنجا آهنگ هویزه کرد. سید علی به اطمینان شیعه گری بی باکانه نزد او شتافته فروتنی آشکار ساخت. ولی شاه چون بی دینی آنان را باور کرده بود فرمان به کشتن دو برادر و دیگر بزرگان مشعشی داد». (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۹۸).

نویسنده کتاب حبیب السیر که هم عصر شاه اسماعیل بود چنین گزارش داده است: «به سال ۹۱۴ ق. شاه اسماعیل لشکر به عراق عرب برده بغداد را گرفت. سپس چون سخنانی از بدکیشی مشعشیان و اینکه آنان سید فیاض را (گویا لقب سید علی

بوده) به خدایی می‌ستایند شنیده‌بود آهنگ هویزه کرد که آنان را براندازد سید فیاض آگاهی یافته به آراستن سپاه کوشید و دو لشکر در بیرون هویزه بهم رسیده جنگ بسیار سخت کردند» (میرخواند، ۱۳۵۳، ج ۴: ۴۹۶).

اسکندر بیگ ترکمان چنین گزارش داده است:

«ز خون مشعشع در آن ساده دشت تو گفתי زمین و زمان لاله گشت

زبس خون در آن سرزمین کله بست فلک تا کمرگاه در خون نشست

زبس کشته بر روی هم افتاد در آن بادیه بسته شد راه آباد.» (ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۰۵).

میرخواند گزارش داده است: «مشعشیان دلیری بی اندازه کرده از هنگام در آمدن آفتاب تا زمان فرورفتن آنکه آتش جنگ و ستیز فراوان بود پای فشردند. ولی هنگام فرورفتن آب سپاهیان شاه همه به یکبار با تیغ‌های آخته بر آنان تاختند و در این حمله ناگهانی بود که فیاض و بسیاری از سران مشعشع از پای درآمدند و پس از اندکی تازیان را به یکبار پای دلیری و ایستادگی از جای دررفته پاکنده و پریشان گردیدند». (میرخواند، ۱۳۵۳، ج ۴: ۴۹۸). احمد کسروی نویسنده کتاب مشعشیان در مورد شکست مشعشیان از شاه اسماعیل چنین نقل کرده است: «شاه اسماعیل خون خواری‌های فراوانی کرده و کارهای زشت بسیاری انجام داده است. ولی این کار او که مشعشیان را برانداخت نیک بوده. چه اینان بدعت‌های زشتی آشکار کرده مردم ناپاکی بودند. ولی باید گفت: بدی بدتر آن را برانداخته است». (کسروی، ۱۳۷۸: ۷۱)

### دوره والیان مشعشی از سوی صفویان

بعد از آنکه شاه اسماعیل اول بر مشعشیان پیروز شد به سمت هویزه حرکت نمود و بسیاری از بازماندگان مشعشیان را به قتل رساند و اداره امور هویزه را به یکی از سرداران قزلباش واگذار نمود و با سپاه خود به سوی دزفول حرکت کرد. یکی از برادران علی و ایوب به نام سید فلاح که در دوره پدر خود به دلیل قتل که انجام داده بود برای در امان بودن به سمت جزیره فرار نمود. بعد از آنکه متوجه شد که برادران خود در جنگ با شاه اسماعیل شکست خورده است به هویزه برگشت و با فرستادن هدایا و پیشکش‌هایی به نزد شاه از وی درخواست حکومت هویزه را کرد که با موافقت شاه مواجه شد و بار دیگر خوزستان در دست مشعشیان درآمد. دوران حکومت مشعشیان که بعد از شکست از شاه اسماعیل شروع شد و به عنوان والی اداره خوزستان را عهده‌دار بودند حدود دویست شصت سال طول کشید. از جمله اشتباهات و ایراداتی که به شاه اسماعیل گرفته شده است این بود که بعد از سرکوب مشعشیان بار دیگر اداره حکومت خوزستان را به آنان سپرد گرچه آنان نتوانستند

که قدرت دوران گذشته خود را بازیابی کنند ولی هرازگاهی که در خوزستان ناآرامی و آشوب رخ می‌داد یک طرف آن مشعشیان بود. (کسروی، ۱۳۷۸: ۷۶-۷۳). گرچه مشعشیان دارای مقام و جایگاه‌های مهم در دربار صفوی بودند ولی والیان را شاهان صفوی انتخاب می‌نمودند و مشعشیان در عمل فاقد قدرت بودند. (میراحمدی، ۱۳۶۳: ۸۹).

## نتیجه گیری

در دوره تیموریان اندیشه غالبی که اندیشه شیعی داشتند در جنوب غربی ایران و در شهر هویزه تشکیل شده بود سعی نمود که برای خود حکومت مذهبی تشکیل دهند و در سودای حاکمیت بر ایران را داشتند. تا قبل از روی کارآمدن صفویه در ایران در هر گوشه و کنار حکومت‌های محلی وجود داشت که موجب شده بود در ایران حاکمیت سیاسی مشخصی و همچنین مذهب رسمی وجود نداشته باشد. بعد از تشکیل حکومت صفویه دو اندیشه غالبی و صوفیانه در مقابل همدیگر قرارداشتند. از دلایلی که این دو اندیشه در مقابل هم قرار گرفتند می‌توان به الوهیت که در بین هر دو گروه وجود داشت اشاره نمود. سید محمد فلاح رهبر مشعشیان ادعای مهدویت کرد و همچنین برای امام علی (ع) ادعای الوهیت و خدایی می‌کردند در حالی که صفویان و شخص شاه اسماعیل حکومت خود را متصل کننده به حکومت مهدی موعود معرفی کرده بود. از دیگر دلایل قرارگرفتن این دو گروه در مقابل هم رقابت سیاسی و دینی دو گروه بود. زیرا هر دو دارای عقبه شیعی بودند و هر کدام سعی می‌نمود که به عنوان رهبر سیاسی و دینی بر کشور حکومت کنند در حالی که هر کدام همدیگر را تحمل نمی‌کردند و سرانجام قدرت این دو باعث شد که در مقابل هم صف آراییی کنند و سرانجام در زمان سید علی رهبر مشعشیان دولت مشعشیان به دست شاه اسماعیل شکست خورد و از آن تاریخ به بعد والیان خوزستان از میان مشعشیان انتخاب می‌شد.

## منابع و مأخذ

- امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم، فتوحات شاهی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.
- بازرگان ونیزی، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، (شش سفرنامه)، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات خوارزمی، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۹.
- ترکمان، اسکندر بیگ، تاریخ عالم آرای عباسی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۰.
- جعفریان، رسول، صفویه در عرصه دین و فرهنگ و سیاست سه جلد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۷۹.

- خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، تصحیح زیرنظر محمد دبیر سیاقی، خیام، تهران، ۱۳۸۰.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، بی تا.
- رنجبر، محمدعلی، مشعشعیان، ماهیت فکری اجتماعی و فرآیند تحولات تاریخی، نشر آگهی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲.
- شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، انتشارات کتاب فروشی اسلامیة، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۷.
- شیبانی، مجیر، تشکیل شاهنشاهی صفوی احیا وحدت ملی ایران، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۰.
- عبدی بیگ شیرازی، زین العابدین علی، تکمله الاخبار، تصحیح عبدالحسین نوایی، نشر نی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۹.
- قیم، عبد النبی، پانصد سال تاریخ خوزستان و نقد کتاب تاریخ پانصد ساله خوزستان احمد کسروی، نشر اختران، تهران، ۱۳۸۸.
- کسروی، احمد، مشعشعیان، انتشارات سحر، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۸.
- مشعشعی، سید علی بن عبدالله، الرحله المکیه (تاریخ سیاسی، اجتماعی مشعشعیان)، ترجمه نورالدین محمد بن نعمت الله جزایری، تصحیح عارف نصر، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۶۹.
- مؤلف ناشناس، عالم آرای شاه اسماعیل، مصحح، اصغر منتظر صاحب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
- مؤلف ناشناس، عالم آرای صفوی، به کوشش یدالله شکری، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۳.
- میراحمدی، مریم، دین و مذهب در عصر صفویه، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳.
- میرجعفری، حسین، تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، سمت، تهران، ۱۳۷۹.
- نوذری، عزت الله، تاریخ اجتماعی ایران (از آغاز تا مشروطه)، سمت، تهران، ۱۳۹۳.